در «قاب کوچک» بخوانید:
کارنامه استعدادیابی تلویزیون

ساکت الهامی در گفت‌وگو با جام جم:
پای قولم به هواداران تراکتور ماندم

جام جم
روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران
www.jamejamdaily.ir
شنبه ۱۵ شهریور ۱۳۹۹ | ۱۶ محرم‌الحرام ۱۴۴۲ | ۲۰ صفحه | سال بیست‌ویکم - شماره ۵۷۴۷ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Saturday - September 5, 2020

۴

تصمیمات دقیقه نودی وزارت آموزش و پرورش درباره نحوه بازگشایی مدارس، خانواده‌ها را سرگردان کرده است

شنبه بلاتکلیف

عکس: مریم آل‌مومن | ایرنا | ۱۸ |

ویژه‌ها

بررسی پیامدهای افزایش هزینه واردات نهاده‌های کشاورزی بر تولید

ارز علیه زراعت

«کشاورزی بخش بسیار جذابی است که اگر برنامه‌های دقیقی برای استفاده از آن نوشته‌شود، می‌توان با عواید آن چاه‌های نفت را برای همیشه بست. رصد مسائل کشور حاکی از دست‌گیری بخش کشاورزی در زمان تنگنا و فشارهای ناخواسته است و بخش زیادی از موضوع اقتصاد بدون نفت شاید از طریق این بخش قابل تحقق باشد.» این جملات، سخنان کاظم خاوازی، وزیر جهاد کشاورزی است که صراحتا افزایش تولید و صادرات محصولات کشاورزی را به عنوان یکی از راه‌های تحقق ایران بدون نفت و عدم وابستگی کشور به درآمدهای نفتی معرفی می‌کند...

۳

گزارش جام جم از اهداف احتمالی سفر وزیر خارجه سوئیس به تهران

سفری برای حفاظت از منافع آمریکا

۲

گزارشی از مجموعه مستند «پسران سعود» در گفت‌وگو با نویسنده، کارگردان و تهیه‌کننده مجموعه

عربستان در ۴ قسمت

پنجشنبه شب گذشته نخستین قسمت از مجموعه مستند «پسران سعود» به نویسندگی، کارگردانی و تهیه‌کنندگی وحید فرجی و روایت نوید نوروزی روی آنتن شبکه مستند رفت و با توجه به تازگی مضمون و اطلاعاتی که سازندگان این مجموعه به مخاطب دادند، مورد توجه مخاطبان نیز قرار گرفت. مستندی چهار قسمتی که درباره فرازهای مهمی از کشور عربستان سعودی و تاثیر آن در خاورمیانه و روابط با ایران و سایر کشورهاست...

۵

بیشتر بخوانید

نقشه ترامپ برای پیروزی در انتخابات با اعلام زودهنگام توزیع واکسن کرونا در آمریکا

دوپینگ انتخاباتی با واکسن کرونا

۸

به‌جز تهران، سهم استان‌های مختلف از حضور در فیلم‌های سینمای ایران چقدر بوده است؟

نقشه ایران روی پرده

۱۰

بررسی جنایت‌های مرداد ماه کشور به روایت آمار

ماه جنایت‌های خانوادگی

۱۹

گفت‌وگو با محسن مطلق، نویسنده کتاب «یک روز، یک مرد» درباره شهید حاج داوود کریمی

سردار صدق و صفا

۲۰

یادداشت

مشق آزمون و خطا

ابراهیم سحرخیز
معاون پیشین دوره متوسطه وزارت آموزش و پرورش

وزارت آموزش و پرورش سه هفته پیش شیوه‌نامه بازگشایی مدارس در سال تحصیلی جدید را ابلاغ کرد. شیوه‌نامه‌ای که با وجود برخی انتقادات به‌آن، نسبتا جامع به نظر می‌رسید. اما صحبت‌های اخیر وزیر محترم آموزش و پرورش نشان می‌دهد مسؤولان این وزارتخانه به نوعی در دقیقه ۹۰ تصمیم خود را تغییر دادند و احتمالا این تصمیم‌گیری برخلاف میل باطنی آقای حاجی‌میرزایی و تیم همراه ایشان بوده است. اتفاقی که مشابه آن در جریان برگزاری کنکور سراسری نیز رخ داد و با وجود این‌که وزیران بهداشت و علوم در روزهای پایانی این ماجرا تصمیم بر تعویق برگزاری کنکور گرفتند، اما ناگهان چند ساعت بعد دستور از بالا رسید و این تصمیم تغییر کرد.

در مساله بازگشایی مدارس نیز شاهد آن بودیم که ابتدا مسؤولان این وزارتخانه گفتند که با توجه به اختیارات تفویض‌شده به ادارات کل استانی قرار است برحسب شرایط شیوع کرونا و زیرساخت‌های آموزشی هر منطقه، در برخی مناطق مدارس به صورت حضوری و در برخی دیگر به صورت زوج یا فرد یا تماما مجازی بازگشایی شود. همه منتظر اجرای این تصمیم بودند که ناگهان صحبت‌های وزیر آموزش و پرورش درباره این‌که اصل بر حضوری بودن بازگشایی‌ها خواهد بود، به همراه چندصدایی برخی مسؤولان ستاد ملی مبارزه با کرونا و البته تماس برخی مدیران مدارس با خانواده‌ها مبنی بر الزام دانش‌آموزان به حضور در مدارس حتی در مناطق قرمز کرونایی، دانش‌آموزان و خانواده‌های‌شان را دچار سردرگمی کرد. استنباط من از این ماجرا این است که بازهم دستوری از بالا صادر و باعث شد که تصمیمات قبلی وزارت آموزش و پرورش دستخوش تغییراتی شود.

در این میان، برخی مسؤولان دولتی اظهار کرده‌اند که چون بعضی از کشورهای پیشرفته اقدام به بازگشایی حضوری مدارس کرده‌اند، پس بهتر است که ما هم چنین کاری را انجام دهیم. ولی وقتی ما می‌خواهیم خود را با کشورهای دیگر مقایسه کنیم، نباید واقعیت‌های موجود درباره مدارس‌مان را نادیده بگیریم. اکنون شرایط کشورمان به گونه‌ای است که در برخی نقاط دورافتاده شاید فقط ده تا ۲۰ دانش‌آموز حضور داشته باشند. در این مناطق می‌توان با ارائه آموزش‌هایی به مدیران، معلمان و دانش‌آموزها درباره چگونگی رعایت پروتکل‌های بهداشتی در فضای آموزشی، مدارس را به صورت حضوری برگزار کرد. ولی در بیشتر نقاط کشور ما شاهد وجود کلاس‌هایی با تعداد بیش از ۳۰ دانش‌آموز هستیم و در اغلب این مدارس کلاس، حیاط مدرسه، راهروها و دیگر فضاها بسیار کوچک‌تر از حد استاندارد است یا تعداد سرویس‌های بهداشتی تناسبی با تعداد دانش‌آموزان مدرسه ندارد و بنابراین در شرایط عادی هم رعایت ضوابط بهداشتی در این مدارس بسیار دشوار است.

اما نکته اصلی این است که این مسائل را فقط کسانی درک می‌کنند که سابقه کار معلمی داشته‌باشند، اما با تمام احترام به مسؤولان فعلی وزارت آموزش و پرورش باید اذعان کرد بسیاری از آنها حتی یک روز معلم نبوده‌اند و الان هم در تصمیم‌گیری‌هایشان از مشورت معلمان استفاده نکرده‌اند، چراکه اکنون در گروه‌های مختلف شبکه‌های اجتماعی هم شاهد آن هستیم که بسیاری از معلمان نسبت به مشاوره نگرفتن از آنها اعتراض دارند و حاصل همین مساله نیز تغییر چندباره تصمیم درباره چگونگی بازگشایی مدارس در فاصله چند روز مانده به آغاز سال تحصیلی بود.

نکته دیگر این‌که با وجود تاکید رهبر معظم انقلاب بر لزوم تلاش برای برقراری عدالت آموزشی، الان مناطقی در کشور وجود دارد که مردم آن نه فقط به اینترنت، بلکه حتی به تلویزیون هم دسترسی مناسبی ندارند. ضمن آن که ما تکلیف بخش زیادی از دانش‌آموزان از جمله کودکان کار را تعیین نکرده‌ایم یا نمی‌دانیم تکلیف تحصیل کودکان و نوجوانانی که ساکن مناطق قرمز هستند، ولی به دلیل نداشتن ابزارهای هوشمند، نمی‌توانند از آموزش‌های مجازی استفاده کنند، قرار است چه باشد. ما قرار بود تبلت ملی در اختیار این دانش‌آموزان قرار دهیم که این اتفاق تقریبا در هیچ‌کجا رخ نداده است. از همه این مسائل می‌توان این‌طور برداشت کرد که وزارت آموزش و پرورش در تامین زیرساخت‌های لازم برای بازگشایی مدارس در شرایط همه‌گیری کرونا تعلل کرده است. وزارتخانه‌ای که تا همین دیروز تکلیف را به روشنی مشخص نکرده و بازهم باعث بلاتکلیفی دانش‌آموزان شد.

نگاه

تقلب ویروسی

سالواتور پالیتی
پزشک و متخصص ایتالیایی

طی روزهای اخیر، بار دیگر شاهد اظهارات غیرتخصصی مقامات آمریکایی، به‌خصوص ترامپ درباره واکسن کرونا هستیم. به نظر می‌رسد واکسن کرونا به جای تبدیل شدن به ابزاری برای مواجهه با این ویروس فراگیر، به ابزاری برای رسیدن برخی سیاستمداران مانند ترامپ به اهداف خود مبدل شده است.

واقعیت این است غیرتخصصی و سیاسی بودن ترامپ در قبال شیوع ویروس کرونا بسیار خطرناک بوده و این مساله، می‌تواند مولد بحران‌های دیگری در آمریکا و حتی کشورهای جهان باشد. رئیس جمهور آمریکا هنوز متوجه نشده است شیوع کرونا با جان میلیاردها انسان در دنیا ارتباط دارد. او (ترامپ) یک بار ویروس کرونا را مورد تمسخر قرار می‌دهد، یک بار توصیه‌هایی در خصوص تزریق مواد ضدعفونی کننده به بدن می‌دهد و الان نیز از توزیع واکسن کرونا قبل از انتخابات ماه نوامبر خبر می‌دهد.

بدیهی است همه دنیا در انتظار توزیع عادلانه واکسن کرونا هستند. با این حال، تولید واکسن کرونا و آزمایش دقیق آن و شناسایی و محاسبه دقیق عوارض و آثار واکسن‌های تولید شده، مستلزم گذشت زمان است. این که فردی مانند ترامپ برای پیروزی خود در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بخواهد مولفه‌ها و قواعد بهداشتی و تخصصی را زیر پا بگذارد، اساسا قابل قبول نیست. این یک اقدام وقیحانه است.

باید در نظر گرفت سلامت شهروندان، شوخی بردار نیست. قاعده‌ای که گویا ترامپ و همراهانش با آن بیگانه هستند. تنها هدف ترامپ، پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ و مواجهه با حزب دموکرات آمریکا در انتخابات است. با این حال، ترامپ باید بپذیرد اگر وی واقعا نسبت به حفظ جان شهروندان آمریکایی تعهد دارد، واکسن کرونا، ابزار مناسبی برای تسویه حساب سیاسی با رقیب نیست. نتیجه این بازی می‌تواند از دست رفتن جان انسان‌های دیگر باشد. نباید فراموش کرد در جریان شیوع اولیه کرونا در آمریکا نیز سیاست‌های ترامپ و تمسخر این ویروس توسط وی سبب شد شاهد پاندمی گسترده آن در سراسر ایالات این کشور باشیم. در هر حال، هنوز مشخص نیست نگاه سیاسی مقامات آمریکایی در قبال واکسن کرونا، چه سرنوشتی برای مردم این کشور و دیگر مردم دنیا رقم خواهد زد.

تلنگر

بیکاری کار

میثم امیری
نویسنده

منصب داری می‌گوید: ۶۳ درصد درآمد خانوارها از محل کار و فعالیت نیست؛ یعنی دو سوم مردم ما سکه و دلار می‌خرند یا به بورس می‌روند. عریان آن‌که مردم دارند با دلالی پول درمی‌آورند.

اما اشکال کار کجاست؟ منصب‌دار چنان‌که عادت شده، تنها به معلول پرداخته است. دیده نشده اهل تدبیر به علت‌ها اشاره کنند. اندکی از آن علت‌ها در این چند سطر بیان می‌شود. این پنج برش می‌خواهد بگوید ما و منصب‌داران داریم ضدکار جلو می‌رویم. کسی اهل کار است که نتواند بیکار بماند یا به قول قابوسنامه کسی اهل کار است که پیوسته به عمارت کردن مشغول باشد.

یک: قابوسنامه را عنصرالمعالی نوشته است تا پسرش گیلانشاه را نصیحت کند. هر فصل این کتاب به نصیحتی تزئین شده؛ مثل فصل امانت نگاه‌داشتن یا فصل عشق‌ورزیدن، فصل آیین دوست‌یابی و فصلی از این کتاب درباره آیین کار کردن است. عنصرالمعالی پسرش را راهنمایی می‌کند در کار کردن جوانمردی پیشه کند تا به برکت برسد. روزی که عنصرالمعالی این کتاب را می‌نوشت هنوز نفت، کشف و استخراج نشده بود. امیر مازندرانی نمی‌دانست تا وقتی نفت باشد، لازم نیست آدم زودتر از دیگران کار را شروع کند و دیرتر از آنان کار را به پایان رساند. لازم نیست راست بگوید و از بخل بپرهیزد. نفت به ما یاد می‌دهد هر کمبودی را می‌شود به جرعه‌ای از این شراب سیاه جبران کرد. نفت به کارمند می‌آموزد حقوق ماهانه‌اش حق‌القدم است، نه حق‌العمل. نفت به نویسنده یاد می‌دهد آن چیزی را بنویسد که زودتر به مایه‌ای از نفت برسد. به این کار نداشته باشد کتابش خوانده می‌شود یا نه. نفت، تقلب اقتصاد ماست. نفت، یکی از دلایل بی‌ارجی کار ماست. نفت، ما را از کار غافل و به کارگر یا کارفرما مشغول می‌کند. راست می‌گوید رضا امیرخانی در کتاب «نفحات نفت»: سال‌هاست همه دنبال حق کارگر یا کارفرما هستند و هیچ کس پی حق خود کار نیست. این از ریشه ماجرا.

دو: سوداگری، محصول شرایط است. منصب‌دار نمی‌گوید بر اثر سیاست‌ها، دلار در سه سال گذشته هفت برابر شده. ایرانی چه کاری باید می‌کرد تا طی سه سال، ۷۰۰ درصد سود خالص به حسابش واریز شود بی‌آن‌که یک ژول انرژی مصرف کرده باشد؟ مثالی بزنم: ما در مازندران شالیکاریم. قیمت برنج‌مان در سه سال پیش حدودا کیلویی ۱۰ هزار تومان بود. قیمت همان برنج از همان زمین بعد از سه سال در بهترین حالت کیلویی ۲۴ هزار تومان است. یعنی دو و نیم برابر. فرض می‌کنیم قیمت خدمات، بذر، سموم و کودهای کشاورزی هم دو و نیم برابر شده باشد. (یعنی کود اوره کیلویی ۵۰۰ تومان شده باشد ۱۲۵۰ تومان!) البته اگر شالیکاری خواننده این قیمت‌گذاری باشد به راوی متن خواهد گفت: تو همان لعن چهارم زیارت عاشورایی. خوب پیدایت کردم.

همین راوی دو سال پیش زمینی خرید ۴۴ میلیون. همان زمین الان ۱۵۰ میلیون تومان می‌ارزد.

منصب‌دار بگوید من زمین بخرم یا شالی بکارم؟

سه: وقتی کار بی‌ارج باشد، سر منصب‌دار که رتبه بالاتری از این منصب‌دار دارد، می‌گوید: مردم باید همه چیز را به بورس بسپارند.

منصب‌دار می‌داند چرا وقتی اوضاع اقتصادی کوفته است، وضع بورس تا این حد کویت است؟ سر منصب‌دار می‌داند.

چهار: بیخود شعار ندهیم. فرهنگ کار در ما نهادینه نشده است. ماه‌های اول کرونا را به یاد بیاورید. رسانه‌ها جلوی مردم را می‌گرفتند و می‌گفتند چرا بیرون آمدید؟ توی بازار چکار می‌کنید؟ (گویی مردم باید دلار می‌خریدند و در خانه می‌نشستند!) بهتر نبود محیط را ایمن کنند تا مردم به کارشان برسند؟ یا بهتر نبود بگویند مردم ماسک بزنید، دست بشویید، فاصله را حفظ کنید، آن وقت به کارتان برسید؟ به جای آن‌که شرایط را برای کار کردن مهیا کنند، گفتند کار نکنید. حتی لازم نیست ماسک هم بزنید. در خانه بنشینید، لابد «ان شاءا... ما از نفت جبران می‌کنیم.»

پنج: منصب‌دار به مردم می‌گوید در خانه بنشینید و بعد آمار می‌دهد چرا مردم کار نمی‌کنند. منصب‌دار مردم را هل می‌دهد سمت بورس و بعد گله می‌کند مردم چرا در کارهای مفید مشغول نیستند. اتفاقا آن کسی که کار نمی‌کند همان منصب‌دار است، چون کار با یک واژه هم ارز است: مسؤولیت؛ «کسی کار می‌کند که اگر و تنها اگر مسؤولیت بپذیرد.» هر قدر مسؤولیت‌پذیر باشیم، همان قدر هم اهل کاریم. امام خمینی اهل کار بود، چون مسؤولیت قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت. او هم می‌توانست مثل همین منصب‌دار بگوید: این ۶۳ درصد مردم هستند که جبهه‌ها را خالی کرده‌اند. ولی امام خودش با فعل اول شخص مفرد جام زهر را سر می‌کشد. در بحران پیرشدن جمعیت کشورمان، رهبر انقلاب مسؤولیت پذیرفت. او تقصیر را به گردن گرفته و شجاعانه اعلام کرده است نباید مرتکب این اشتباه می‌شد. منصب‌دار بیاموزد مسؤولیت کارش را به عهده بگیرد و اشکال را به گردن مردمی نیندازد که به او اعتماد کرده‌اند. منصب‌دار فقط در موفقیت‌های یک کشور شریک نیست. در شکست‌ها هم سهیم است، عامل است و اصل است.